معرفی کتاب

علیرضا قاسم‌خان

شبیه و آینه: مجموعه عکسهای تعزیهٔ ایران در دورهٔ قاجار

کتاب

قاسم‌خان، علیرضا. *شبیه و آینه*، تهران، روزنه، ۱۳۸۵.

شناخت فرهنگ و هویت هر قومی همچون دریایی ژرف و پر رمز و راز است که راه‌یابی به آن چندان آسان نیست. اگر بپذیریم که فرهنگ یا تمدنْ کلیت درهم‌تافته‌ای است شامل دانش و دین و هنر و قانون و اخلاق و آداب و رسوم و هرگونه توانایی عادتی که آدمی در مقام عضوی از جامعه به دست می‌آورد، درمی‌یابیم که چه دریای عمیقی از فرهنگ و هنر در کشور ما پیش روی ماست که هنوز گوهرهای بسیاری در آن کشف‌ناشده مانده است.

بی‌شك آیین نمایشی تعزیه و شبیه‌خوانی آن بخش از هنر این سرزمین است که ضمن به همراه داشتن مفاهیم عمیق، ساختار و شکلی درخور توجه با همهٔ ویژگیها و ریزه‌کاریهای خود دارد. شناخت و علاقهٔ فراوانی که سالهاست به تعزیه و خصوصاً بعد نمایشی آن داشته‌ام موجب شده است که تنها در مقام علاقه‌مند، در اسناد و مراکز مختلف در جستجوی زمینه‌های تازه‌تری برای درك و فهم این بخش از هنر نمایش ایران باشم. طرح یافتن رد پایی از اسناد و عکسهای تعزیهٔ ایران در مجموعه عکسهای ۱۵۰ سال اخیر به این جستجوها باز می‌گردد. در مطالعات اولیه و پرسش از استادان و پژوهشگران این سرزمین که سالهاست با عشق و علاقه به این هنر می‌نگرند، به وجود این عکسها پی بردم و به انتشار چنین کتابی بیش از پیش ترغیب شدم.

بی‌گمان تعزیه آینه‌دار بسیاری از تحولات و مرجعی ارزشمند در شناخت بخش عظیمی از فرهنگ و هنر ایران است. این هنر در زمینهٔ نمایش، موسیقی، رنگ، فرم، و ... نیازمند دقتی عمیق‌تر و تحقیقی شایسته‌تر است؛ هرچند تا کنون محققانی بزرگ بسیاری از ظرایف آن را معرفی کرده‌اند. امیدوارم انتشار این کتاب که بسیاری از عکسهای آن برای نخستین بار در برابر دیدگان قرار می‌گیرد، کمکی هرچند کوچك به محققان و علاقه‌مندان این هنر کرده باشد. اگرچه رویکرد اصلی این کتاب توجه به تعزیه به منزلهٔ نمایش است، شك ندارم که مردم‌شناسان، جامعه‌شناسان، هنرمندان تئاتر، سینماگران، و عموم پژوهشگران نیز از این مجموعه استفاده خواهند کرد. نکته‌ای که از نظر اهل شناخت و تحقیق پوشیده نیست، اما بیان آن ضروری است، این است که چهره‌هایی که در این عکسها در برابر ما قرار دارند کسانی‌اند که تعزیه را نه همچون نمایش، بلکه همچون راهی برای زیستن حقیقت اجرا کرده‌اند. آنان نه می‌خواستند و نه می‌دانستند که روزی قرار گرفتنشان در برابر دوربین عکاسی راهی به شناخت نمایش این مرز و بوم باز خواهد کرد. اکنون که آنان را از میان صفحات تاریخ ۱۵۰ سال گذشته دوباره پیدا کرده‌ایم، مردمانی را یافته‌ایم که زندگی و هنرشان یکی بوده است؛ و این نکته می‌تواند چراغ راه فهم هنر و اندیشه را فروزان‌تر کند.

در جستجوی این عکسها، مجموعه‌ای نزدیك به سیصد قطعه عکس به دست آمد. برخی از عکسها به علل فنی و به سبب نورخوردگی قابل استفاده نبود. از طرف دیگر، برخی

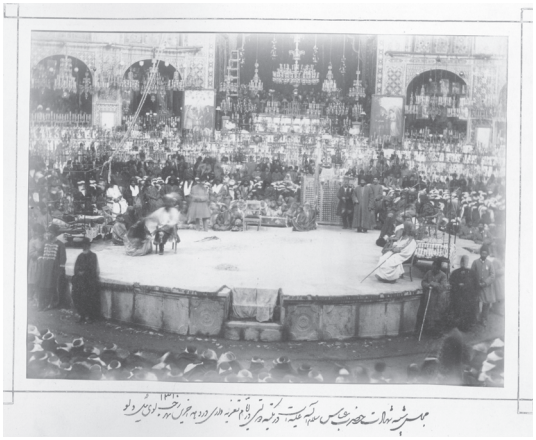

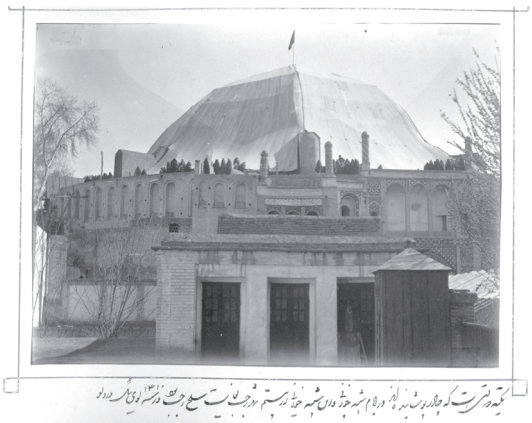

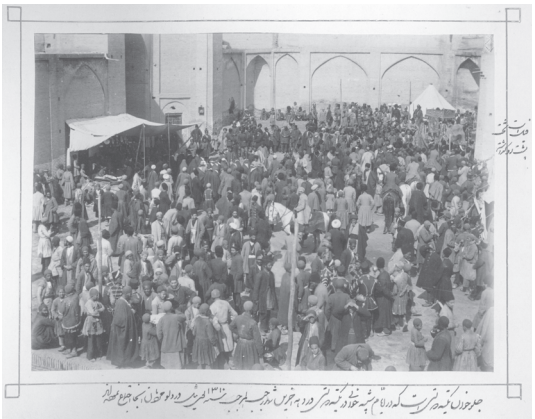

از عکسها نیز به سبب تکراری بودن از این مجموعه حذف شده است.

یکی از ویژگیهای این مجموعه عکسهای کم‌نظیری است از تکیهٔ دولت؛ مکانی که سالهای سال با شکوه و زیبا و پابرجا جایگاه حضور مردان و زنان و گروههای تعزیه‌خوان بود. در این مجموعه، عکسهایی دیده می‌شود از چادر سقف تکیهٔ دولت و از نماهایی از بناهای پشت تکیهٔ دولت که زنان و مردانی بر بام آنها نشسته‌اند.

آنچه مرا در همهٔ لحظات انجام دادن این کار شگفت‌زده می‌کرد حضور مردان و زنان انبوهی بود که برای دیدن تعزیه گرد هم می‌آمدند. در برخی از تصاویر، جمعیت فراوانی از زنان دیده می‌شود که با لباسهای دورهٔ قاجار به تماشای تعزیه نشسته‌اند. بی‌گمان در حضور این مادران و دختران و زنان، چراغ لرزان و نه چندان پرفروغ نمایش در ایران از گزند تندباد حوادث مصون مانده است. چنان‌که در بخش دیگری از این عکسها دیده می‌شود، گروههای تعزیه‌گردان در کمال آراستگی در حال اجرای نقشها و نمایش‌اند. به یاد می‌آوریم که بسیاری از استادان آواز ایران، همچون طاهرزاده و اقبال آذر، از میان خوانندگان تعزیه برخاستند.

در این کتاب، که کار جمع‌آوری آن بیش از یك سال به طول انجامید، ۱۱۱ عکس به چاپ رسیده است. بخشی از عکسها مربوط به تکیه‌های قدیم تهران، از جمله تکیهٔ دولت، تکیهٔ دزآشوب، و تکیهٔ نیاوران، و بخشی دیگر مربوط به گروههای تعزیه‌گردان تهران است. عکسهایی که خود ناصرالدین‌شاه از تعزیه‌هایی به رهبری انیس‌الدوله برداشته، و نیز تنها عکسی که از زنی کارگردان (تعزیه‌چرخان) در دست بوده، به چاپ رسیده است. همچنین در این کتاب، مقالاتی از محقق و تعزیه‌شناس آمریکایی، پیتر چلکوفسکی، و پژوهشگر ارجمند محمدحسن سمسار، و دیگران، به دو زبان فارسی و انگلیسی درج شده است. در بخش دیگری از کتاب نیز زیرنویس و شرح عکسها آمده است. طراحی گرافیك این کتاب حاصل تلاش رضا عابدینی، هنرمند گرافیست ایرانی است. □